مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۱۵ | یکشنبه ۳۰ قوس ۱۳۸۲ | ۲۸ شوال المکرم ۱٤۲٤ - | 21 December 2003

سرمقاله

نظام پارلمانی نظامی مردمی است

ص۲

« نظام پارلمانی را به نفع مردم وکشور می دانیم »

ص۲

در هفتمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی



- گزارش کار کمیته های ده گانه اعلام شد
- ضرورت بر جسته ساختن حقوق اطفال در قانون، مطرح گردید
- نمایندگان مردم خواستار وقت کافی برای تشریح مشکلات شدند
- رئیس لویه جرگه بیرون شدن وکلا از جلسات را محدود ساخت

لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی هفتمین روزکار خود را در حالی آغاز کرد که واکنش رسمی از جانب هیأت مدیره در رابطه به تنش های موجود، اعلام نگردید.

به اساس آمار رسمی کمیته های ده گانه بحث روی مواد مسوده را آغاز نموده اند و حد اوسط کار کمیته ها در حدود پنجاه ماده خوانده شده است.

در عین حال اعلام شد که ریاست لویه جرگه ، خارج شدن وکلا از جلسات را محدود به اخذ اجازه ساخته است. علت این امر جلوگیری از ضیاع وقت خوانده شد.

ص۳

رسانه های خبری بین المللی، جانبدارانه عمل می کنند

فرامرز

نباید جریان کار لویه جرگه، منحرف شود



عبدلهادی کاشف



نقیب الله

از آغاز کارلویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی تاحال که یک هفته از آن می گذرد، مردم افغانستان تا بدان حد که برای آنان مقدور وممکن بوده است جریان کار اجلاس نمایندگان برای تصویب قانون اساسی آیندهٔ کشور را دنبال نموده ودر اطراف مسائل مربوط به آن، به گونه های مخالف یا موافق ابراز نظر نموده اند که تاحدودی در برخی رسانه ها بازتاب خود را داشته است.

اما لازم به یاد آوری است که این بازتاب نظرات مردم در رابطه به قانون اساسی در بیشترین موارد به صورت یک رویهٔ خلاف رعایت عدالت وبی طرفی ژورنالستیک صورت پذیرفته است.

ص۳

په لویه جرگه کي واکمنه فضا دملي یووالي له پاره نه ده



یوانتخابی وکیل عبدالولي نیازي دلوئي جرگي دپیل، دوام او پائي ته رسیدو په باب خپل نظریات داسي بیانوي:

هغه تجربه چي له لوي اضطراري جرگي څخه مو درلوده او د دولت له خوا مي لاس وهنه لیدله په دي باور وم چي د وکیلانو دانتخاب او انتصاب او دلوئي جرگي دپیل او دوام په لاره کي به ځیني ملاحظات موجود وي، خو له دي سره سره تولو وکیلانو دلوي جرگي له جوړیدو مخکي داهیله درلوده او دخلکو هیله هم همداوه چي دملي وثیقي په توگه داساسي قانون دتصویب له پاره به بنه زمینه برابره شي او دچارواکو له هرډول مداخلي پرته به استازیو ته کافي وخت ورکړي شي چي برابره شوي مسوده وڅیړي او دخلکو روا غوښتني به په هغي کي درج کړي.

۴مخ

نمایندگان ملت توجه کنند!

ابوبکر سبزوار

حرکت به سوی استبداد انتخاب مردم نیست

بحث بر سر نظام آینده در کشور اعضای لویه جرگه را به دو گروه تقسیم کرده است: گروهی که خواستار یک نظام ریاستی اند و معتقد اند که در افغانستان فقط یک رئیس جمهور مقتدر می تواند بر مشکلات فایق آید و کشور را بسوی آینده یی روشن رهنمون گردد.

در مقابل هواداران نظام پارلمانی اند که به این باور اندکه بدون موجودیت یک پارلمان مقتدر که از خودکامگی زمامداران جلوبگیرد،استقرار یک نظام دموکراتیک در کشور ممکن نیست.

ص۴

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت:

نظام پارلمانی با اوضاع و احوال کشور بیشتر سازگاری دارد

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل - چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

نظام پارلمانی نظامی مردمی است

یک هفته می شود که نمایندگان مردم برای تصویب قانون اساسی آیندهٔ کشور دورهم جمع شده اند. تبلیغات رسانه های خبری دولت، پیش از تدویر لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی براین نکته متمرکز گردیده بود که نظام ریاستی مطلق العنان را حلال مشکلات موجود افغانستان بخوانند.

در راستای تبلیغات برای نظام ریاستی مطلق العنان، بیشتر همان هایی سهم گرفتند که تا دیروز باطرح شعارهای مردم سالاری، شایسته سالاری ومشارکت ملی، به گونه یی مستقیم وغیر مستقیم مجاهدان ومقاومت گران را تفنگدار وتفنگ سالار می خواندند.

پیش از همه باید گفت که مطبوعات دولتی مال همهٔ ملت است ونباید هر روز آن را مانند بازیچه به جانبی نو وبرای مقصدی تازه توجیه نمود ونشانه گرفت.

موضع گیری جدید هواخواهان دیروز مردم سالاری در دفاع از نظام ریاستی مطلق العنان وپافشاری نماینده های مردم ومجاهدین در راستای پشتیبانی از نظام پارلمانی، این سوال را مطرح می سازد: ایا آنانی که از دموکراسی ومردم سالاری شعار می دادند، در عمل به شعارهای خود صادق اند ویا از این گونه شعارها تا آنجا پشتیبانی می کنند که در راستای منافع گروهی وایدیولوژیکی آن ها باشد واین گونه موضع گیری ها یاد آور گفتهٔ همان تحلیل گران جهان سوم است که کشورهای علم بردار دموکراسی در کشورهای خود دموکراسی می خواهند ودر کشورهای جهان سوم خواهان دیکتاتوری اند.

آنچه را در این زمینه می توان یاد آور شد این است که پارلمان قوی ومقتدر می تواند ضامن بلند رفتن اعتبار نظام آینده در نزد مردم ما و در سطح بین المللی باشد، اما معلوم نیست آن هایی که مزایای گنگ ومبهم نظام ریاستی مطلق را همه روزه برمی شمارند، چرا مزایای هردو نوع نظام را با در نظر داشت ساختار جامعهٔ افغانی ومشکلات موجود، به گونهٔ مقایسه یی مطرح نمی سازند؟

واضح است این عده که مطبوعات دولتی را وقف خواسته های شخصی خود ساخته اند، بیشتر به خود می اندیشند تا به مردم!

«نظام پارلمانی را به نفع مردم وکشور می دانیم»

استاد ربانی

احمدفهیم

بحث هایی داغ در این روزها در پیرامون دو خط پارلمان گرایی وریاست گرایی در کارزار کنونی سیاسی برسر زبان ها است.

نواله خواران سفرهٔ قدرت ورسانه های هم پیاله با آن ها این دو خط را به خط به اصطلاح مجاهدان سابق وخط تکنوکرات ها به نشخوار می گیرند، حال آن که مواضع اتخاذ شده در بیرون رفت از وضع کنونی را که برمحور بحث روی مواد قانون اساسی صورت می گیرد، بایست به حکم واقعیت های کنونی جامعهٔ افغانی، در دو محور عقلانیت گرایی ومنفعت گرایی به خوانش گرفت، به این بیان که جمعی باتفکر در راستای امکان برون رفت از بحران فعلی موضعی را اتخاذ نموده اند به عنوان نظام پارلمانی ودسته یی هم برنیاد منافع گروهی وزبانی وقومی موضوع دیگری را اتخاذ نموده اند تحت عنوان نظام ریاستی.

بی مورد نخواهد بود در این راستا به مبانی شرعی وعقلی موضع استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت که ضمن سخنرانی ها ومصاحبه های خویش در هفته های اخیر درآستانهٔ تدویر لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در برتری نظام پارلمانی برنظام ریاستی؛ اظهار داشته است. اشاره نمایم تا علاقه مندان این گونه بحث ها را که به سرنوشت سیاست امروز وفردای کشور بستگی دارد از منطق آن آگاهی یابند ودر زمینه داوری نمایند:

۱- ختم بحران کنونی درکشور وحاکمیت جوی اعتماد در میان ملت خواهان نظامی است که همه اقوام وملیت های ساکن این کشور اراده وهویت خود را در آن نظام لمس کنند.

بدون شک تحقق این مأمول بیشتر در یک نظام پارلمانی متبلور است نه در نظام ریاستی، آن هم باچنین صلاحیت بی حدوحصر آن،

۲- در فقه سیاسی اسلام بعد از اصل حاکمیت اساسی ترین پایه واساس در حکومت اسلامی اصل شورا بوده وتصامیم وفیصله ها جنبهٔ الزامی دارند نه اعلامی که رئیس یا امیر در عمل وعدم عمل به آن مختار باشد.

۳- نبود احزاب نیرومند وسایر نهادهای مدنی چون نهادهای اجتماعی وعملی وبازرسی از عمل کردهای حکومت وفقدان آگاهی لازم مردم از قضایا، یکی دیگر ازعوامل مورد سوال قرار دادن نظام ریاستی در افغانستان است که اگر بر چنین نظامی مشروعیت داده شود بدون شک مشروعیت بخشیدن بر نظام استبداد وخود کامگی است که مانع هرگونه پیشرفت وتعالی در درازای تاریخ دولتمداری کشور ما بوده است.

۴- کشور ما در چند سدهٔ اخیر دولتمداری خویش طعم تلخ نظام های ریاستی را- از نظام های شاهی های مطلقه وبه اصطلاح شاهی مشروطه گرفته تاجمهوری های تک حزبی وامارت های مطلق العنان چشیده ونشانه های شلاق آن ها را بر گرده ها وشانه های خود دارند اکنون زمان آن است که به ملت زخم خوردهٔ ما از استبدادها حکمروایان ونظام های استبدادی گذشته، فرصت داده شود تا به جای نظام های فردی وریاستی نظام های شورایی وپارلمانی را به تجربه گیرند تا جرعه یی را از این صراحی هم به سرکشند.

آنهایی که در نظام های پارلمانی اصطکاک محورهای قدرت را دلیل می گیرند برای رهایی از این تشویش پیشنهاد می شود که به حیث یک تجربهٔ جدید، نظام پارلمانیی را پایه ریزی کنند که در آن رئیس جمهور از پارلمان مشروعیت خویش را کسب نموده ودر برابر آن پاسخگو باشد. وجایی هم برای نخست وزیردر آن نباشد.

۵- تفکیک قوا که خود یک اصل اساسی در نظام های مردم سالار ودموکراسی است در نظام پارلمانی می تواند به صورت درست تمثیل گردد اصلی که می تواند یگانه راهی برای توزیع قدرت وجلوگیری از استبداد وخودکامگی باشد که مردم ما سال های دور و درازی است که از شلاق آن ضجه وفریاد می کشند.

۶- همین نظام ریاستی که مردم ما در طول دوسال اخیر زندگی سیاسی خود، طعم آن را چشیده اند بیان گر آن است که نظام های ریاستی آمادهٔ پاسخگویی از عمل کردهای خود در برابر مردم نیستند وهیچ مرجعی هم وجود ندارد که به نمایندگی از مردم از مصارف کابینه ودولت واز تصرفات سیاسی واقتصادی واجتماعی آن استیضاح نماید.

۷- در نظام پیچیدهٔ بین المللی کنونی که سیاست ها وفعالیت های آن را تأمین منافع کشورها تشکیل می دهد. آیا در کشور عقب مانده یی چون افغانستان نظام ریاستی می تواند ازمنافع ملی خود به حیث یک طرف نیرومند دفاع نماید؟.

به باور ما در چنین بازی های تامین منافع ملی، نقش نظام های پارلمانی به مراتب مؤثر تر از نظام های ریاستی است، زیرا در نظام ریاستی یک شخص طرف معامله بوده در حالی که در نظام های پارلمانی بازیگر اصلی یک مجموعه است وشکی نیست که پیروزی یک مجموعه در چنین بازی ها خیلی ها محرز است تایک شخص.

> **ختم بحران کنونی درکشور وحاکمیت جوی اعتماد در میان ملت خواهان نظامی است که همه اقوام وملیت های ساکن این کشور اراده وهویت خود را در آن نظام لمس کنند.**

څه ډول جمهوري نظام؟

عزیز الرحمن ممنون

نن سبا چي داساسي قانون دلويي جرګي غونډي، دافغانستان په پلازمينه کابل کي رواني دي. خلك غوږ غوږ دي، چي څنګه نظام به رامنځ ته شي؟ داسي نظام چي دخلکو خدمتګار او دخلکو واکمني به په کي خپله بنه بني؛ او يا به داسي نظام جوړيږي چي دتيرو دورو په څير دحاکمه ځواکونو په ګټه به وي، او دماکياول له سياست څخه به ئي سرچينه اخستي وي. که داسي وي نوله باران څخه تيښتدل او ناوي لاندي کيناستل دي څکه تيرو ميليتاريستي رژيمونو زمونږ په اتل ملت بدي لوبي وکړي چي تراوسه ئي ناوړي اغيزي په سترګو کيږي. ټول پوهيږو، چي مليتاريزم په انانيت مبتني دي او هغه نظامونه چي غواړي دملت غوښتني او اړتياوي شاته وغورځوي چي څنګه ئي چي خوښه وي دملت په برخه ليك کي لاس وهي چي بيا کله ورته قانوني بڼه ورکړي نو په اساسي قوانينو کي غواړي دملت اراده لاندي و وهي او دجمهور رئيس يا باچا واکونه زيات کړي په دغه صورت کي ټولنيز عدالت زيانمن کيږي او انساني فاضله ملکات او ښه نيت له تهديد سره مخامخ کيږي.

همدا اوس چي لااساسي قانون تصويب شوي ندي او دجرګي بهيرئي درياستي جمهوريت له نامه سره په ستونزو اوړي هغه مهال چي قانوني بڼه ومومي نو بيا به ئي څنګه مخه ونيوله شي او څوك به ئي مهار کړي؟ دولتونه دپارلمانونو دشتوالي سره نشي کولي چي داتباعو مادي او معنوي شتمنيو ته بيځايه لاس اوږد او سترګي پري سري کړي او ټولنيزي شتمني پخپله خوښه په هغه او دغه وويشي اوياني په تجملي شيانو ولګوي نوي اساسي قانون کي داتباعو حقوقو او وجائبوته پاملرنه ډيره مهمه ده باچا يا جمهور رئيس هغه وخت چي قدرت ته ورسيږي په تاريخ کي لږ ليدل شوي چي ټولنيزو ګټوته پخپلو ګټو باندي رجحان ورکړي او په بيت المال باندي زړه وسوزوي نو لدي امله چي دولس او ملت سوکاله ژوند په برخه شي او دخلکو په حقوقو لوبي ونشي پارلماني جمهوريتونو دنړي په ډيرو هيوادونو کي ښه نتيجه ورکړيده او درياستي جمهوريتونه دمطلق العناني په ناروغيو اخته بريښي او مطلقه شاهي ته ورته وائي لري له لرغوني يونان څخه نيولي ترننه پوري شوراګانو او پارلمانونو ته د دولتونو اړتياده لږه شوي هغه نظام چي پارلمان باندي ولاړوي او هغه چي يې پارلمان وي ډير توپير لري دخلکو اړيکي له نظامونو سره دپارلمانونو له لاري په سالم او ګټور شکل - ټينګيږي قانون توکه نه ده ديوملت برخه ليك دي : د دولت رئيس دهغه په تصويب او جوړولو کي لکه د نورو اتباعو په څير د وړانديز حق لري دلوي جرګي استاځي بايد خيل تاريخي مسئوليت له پامه ونه غورځوي او په ټولو اړخونوئي ښه غور وکړي. څو يو داسي نظام رامينځ ته شي چي د دولت مشر او يا جمهور رئيس دپارلماني نعمت څخه چي دتاريخ په بهير کي جمهور رئيسان ئي له تيرو تنو څخه په ملي او بين المللي اړيکو کي ژغورلي برخمن وي

منبع: روزنامۀ«اوقات» ۲۱جولای ۲۰۰۳ چاپ پاکستان برگردان: کابلی والا

یک مأمور«آی.اس.آی» افشا می کند:

چرا دولت مجاهدین در کابل سقوط کرد؟

خوانندگان گرامی!

یک مأمور عالیرتبۀ استخبارات نظامی پاکستان(آی. اس. آی) در لابلای اظهاراتش به اسم مستعار«چوهدری اشرف» دریک روزنامۀ پاکستانی به نام«اوقات» طرح دسایس وتوطئه های ادارۀ(آی.اس.آی) را در زمان حکومت«بی نظیر بوتو» این گونه افشا می کند:

پاکستان از به وجود آمدن دولت مقتدر مجاهدین در افغانستان، همواره دچار هراس بود. روی همین علت پس از بدست گرفتن قدرت توسط مجاهدین وگسترش حاکمیت آنان در افغانستان، مردم که از حکومت دست نشاندۀ شوروی وسیاست های کمونیستی آن خسته شده بودند، مجاهدین را با استقبال گرم به آغوش خود پذیرفتند؛ زیرا حضور مجاهدین در دوران جهاد، این واقعیت را برای مردم افغانستان مسلم ساخت که اینان(مجاهدین) فرزندان اصیل جامعۀ افغانستان اند که در دوران جهاد بابزرگترین قدرت عصر(شوروی سابق) به مقاومت پرداختند وبالآخره عامل شکست افتضاح آور روس در افغانستان شدند.

باوصف آن که شکست روس از یکسو پاکستان را به خاطر منافع خود علاقه مند به مجاهدین ساخت؛ اما از سوی دیگر باورنداشتیم که مجاهدین بتوانند، ابرقدرتی مثل روس را از پادرآورند. مسالۀ شکست روسها توسط مجاهدین زنگ خطری بود که در حقیقت ما را همواره به هراس می افگند که اگر روزی مجاهدین باتوجه به شناخت وپشتیبانی که از مردم پاکستان داشتند، می خواهند علیه حکومت«بی نظیر بوتو» حرکتی را به راه بیاندازند، در آن صورت وضع پاکستان وخیم خواهد گردید؛ زیرا مجاهدین از محبوبیت بی حد وحصری درمیان مردم پاکستان برخوردار بودند. از این رو در۲۷دسمبر۱۹۹۱نشستی باحضور عده یی از سران دولت وادارۀ استخباراتی پاکستان در«نوشهره» پشاور تدویر یافت. در این نشست نگرانیهای قبلاً ذکر شده مطرح گردید وتصمیم عملی اتخاذ گردید تا از گسترش نفوذ مجاهدین وتحکیم حاکمیت آنان در داخل افغانستان جلوگیری به عمل آید.

ادارۀ آی.اس.آی مشخصاً برنامه اش را در آغاز به خاطر تطمیع و وسیله ساختن دو عنصر بسیار مهم در دولت مجاهدین(برهان الدین ربانی رئیس دولت وفرمانده احمدشاه مسعود) شکل بندی کرد؛ اما به زودی ما متوجه این برنامه ریزی نامعین خود شدیم؛ زیرا حساسیت ضد سیاست های پاکستانی احمدشاه مسعود ومیزان آزادگی وی وهم چنان استقلالیت بدون تأثیر پاکستان، در وجود پروفیسور ربانی به زودی ما را به اشتباه ما متوجه ساخت.

باوصف آن که مجاهدین در زمان جهاد افغانستان باشوروی سابق(وبیشتر هم در زمان ضیاء الحق) پاکستان را بزرگترین حامی مسلمان خود می پنداشتند؛ ولی عمل مستقلانۀ دولت مجاهدین در شکل دهی وسازمان دهی، سران دولت پاکستان را دچار دلهره واضطراب می کرد.

این دلهره واضطراب زمانی اوج گرفت که ما احساس کردیم احمد شاه مسعود در عمل کردش، آدمی دارای استقلال رأی وعمل است؛ وبه هیچ وجه مشوره های به نفع دولت پاکستان را در افغانستان نمی پذیرد. این مشوره ها مسلماً طرح یک سری برنامه های استخباراتی بود که باید در افغانستان به نفع حکومت پاکستان عملی می شد. اما در یک بررسی عمده که توسط ادارۀ استخباراتی پاکستان صورت گرفت ما به این نتیجه نایل شدیم که مسعود وپروفیسورربانی ودر کلیت مجاهدین مؤثر در درون دولت به هیچ وجه منافع کشورشان را قربانی اهداف پاکستان نخواهند کرد. مسعود از همه بیشتر(چون دارای طرز تفکر نظامی ویژه بود) همواره برای ما به مثابۀ زنگ خطر وهشدار فزاینده پنداشته می شد. بااستناد برهمین برداشت بود که راه تأثیر گذاری ما از طریق بحث وگفتگو بسته شد؛ وبرنامه های استخباراتی ما به گونۀ انفرادی(اما در یک هماهنگی) به خاطر سقوط دولت مجاهدین در کابل آغاز شد.

در۲۸جنوری ۱۹۹۲(یعنی پوره پس از یکماه ودو روز بعد از پیروزی مجاهدین) طرح اخلال وبراندازی دولت مجاهدین به کمک استخبارات پاکستان وهزینۀ پولی بسیار گزاف در راولپندی امضا شد. بعد از آن پاکستان روی عملی ساختن این تصمیم ایستاد ودر این جهت فعالیت عملی اش را آغاز کرد. برخی از افراد در درون دولت وادارۀ استخبارات پاکستان، باامضای این طرح چندان موافق نبودند؛ امابگونۀ عملی جرأت ابراز این عدم توافق را نداشتند.

مهمترین چیزی که ما را به امضا وطرح چنین برنامه یی واداشت، فراهم آوری زمینه های منافع حکومت پاکستان در افغانستان بود واین مسأله در دو مورد خلاصه می شد:

- نخست این که اگر دولت مجاهدین به تامین امنیت وحاکمیت گسترده دست می یافت(چون پاکستان در قبال افغانستان منفعت یک جانبه را خواستار بود) خصوصیت پاکستان ستیزی در وجود مردم بیشتر تقویت می یافت.

- دوم این که اگر صلح وحاکمیت توسط مجاهدین در افغانستان استقرار می یافت، افغانستان در محراق توجه جامعۀ بین المللی(به ویژه امریکا) قرار می گرفت؛ واین مسأله حضور پاکستان را به حاشیه می راند وثبات در افغانستان منفعت مادی ولوژستیکی پاکستان را لطمه می زد.

این دو مورد از حاد ترین مسائل شکل گیری سیاست حکومت آن وقت پاکستان، در جهت براندازی مجاهدین از اریکۀ قدرت بود...

در هفتمین روز لویه جرگه...

در هفتمین روز لویه جرگه نیز تعدادی از وکلا خواستار گردیدند تا تعادل در سخنرانی ها مراعات شود. آن ها گفتند که به همه کس باید وقت کافی برای اظهار نظریات شان داده شود. خانم شکیلا نمایندۀ ولایت کندهار از هیأت مدیره خواست تا فرصت مناسب را برای وکلا، جهت مطرح ساختن مشکلات مردم، مساعد نمایند. مسألۀ تسجیل حقوق اطفال در قانون اساسی برای نخستین بار مطرح گردید.

رسانه های خبری بین المللی، جانبدارانه...

جریان کار در لویه جرگه به ترتیبی حساب شده منحرف گردیده است وبرخلاف منافع ملت مجاهد پرور افغانستان می باشد.

این یکجانبه نگری توسط بعضی رسانه های معروف خبری جهان که در این روزها اوضاع ورخدادهای کشور ما را تحت پوشش خود دارند، باعث برانگیختن اعتراض ها وعکس العمل های مشخص ومناسب گردیده است. پوشش های خبری موجود توسط منابع گردانده، مانع انعکاس نظراتی شده اند که گویا در مسیر خلاف انتظار وخلاف میل آنان بوده است، تعدادی از مسؤولان عرصه های معارف، رادیو تلویزیون، شورای علما وتعدادی از ریش سفیدان ومنورین ولایت فراه به دفتر جریدۀ مجاهد آمده و تقاضا کردند تا دیدگاه ونظریات شان به اطلاع مردم رسانده شود. بنا برآن خبرنگار مجاهد با این برادران گفت وشنودی انجام داده است که اینک به توجه خوانندگان محترم رسانده می شود:

برادر محترم عبدالهادی کاشف رئیس معارف ولایت فراه به نمایندگی از سایر برادران روی مواردی انگشت گذاشت ومسائلی را عنوان کرد که آن را به صورت فشرده می خوانید:

«برای ما بسیار تعجب برانگیز است که جریان کار در لویه جرگه به ترتیبی حساب شده منحرف گردیده است وبرخلاف منافع ملت مجاهد پرور افغانستان، برای بعضی افراد معلوم الحال فرصت مساعد شده وجملات وکلمات حساب شده یی بردهان آنان گذاشته می شود، تا آب به آسیاب اقلیتی بریزد که پیوسته به سرنوشت ملت جفا روا داشته اند.

ماوقتی سخنان توهین آمیز یک دختر جوان را که هنوز سن بیست سالگی را تکمیل نکرده و درمیان مردم ولایت زندگی نداشته وچند ماه قبل، طور فرمایشی ودستوری وارد ولایت ساخته شد وبه طرز معامله گرانه یی به نام وکیل منتخب مردم جا زده شده است، شنیدیم وملاحظه کردیم که چگونه همۀ نمایندگان موجود مردم را جنایت کار ومجرمان جنگی خواند وطالب محاکمۀ آنان گردید به شدت برانگیخته شدیم ولب به اعتراض گشودیم وسخنان خود را به نمایندۀ بی.بی.سی گفتیم وتعدادی از خواهران ما که در ولایت فراه کار وزندگی می کنند نیز با ما هم صدا گردیده و دیدگاه های خود را بیان داشتند. اما وقتی گوش به آواز نشستیم، کوچکترین حرفی از آنچه ما گفته بودیم به نشر نرسید.

بنا برآن وقتی غرض اجرای پاره یی از امور مربوط به ولایت به کابل آمدیم خواستیم نزد شما بیاییم وتوقع داریم هفته نامۀ مجاهد که زبان گویای تمام مجاهدین افغانستان است، دردها وآلام ما را منعکس ساخته واعتراض ما را به گوش خوانندگان و از این طریق به گوش مردم جهان برساند.

عرض ما این است: کدام دادگاه باصلاحیتی این فیصله را صادر نموده وبه چه طریقی این حکم خود را در اختیار این دختربچه قرار داده، تا وی این حق را داشته باشد که نسبت به رهبران جهاد ومقاومت افغانستان که وکلای منتخب مردم هستند چنین سخنانی گستاخانه و دور از انصاف وخلاف ادب را برزبان بیاورد؟

طی دو برهۀ حساس ودر برابر دو تجاوز علنی وبی پرده که برضد آزادی ونوامیس ملی مردم افغانستان صورت گرفت، کدام مردم بودند که به پا ایستادند وتقدیم این همه شهید وزخمی ومعلول در پای درخت آزادی وارزش های دین مقدس اسلام توسط چه کسانی صورت گرفت؟

این دختر نوجوان واحساساتی وحامیان ومدافعان وی دیروز کجا بودند، تا برضد تجاوز ارتش سرخ وبعد تجاوز طالبان والقاعده که از بیرون حمایت می شد، صدای اعتراض خود را بلند نمایند؟

آیا مردم موجود در تالار، وکلای منتخب نبودند؟ آیا وکلای موجود، نزد این عده که حالا برای دفاع از یک مشت الفاظ رکیک واحساساتی تبلیغ می کنند دارای هیچ اهلیت وحرمتی نیستند؟

ما مردم ولایت فراه به این عقیده هستیم که در هر صف ودر هر گروه ودسته یی، عناصر مثبت ومنفی وجود دارد و در این شکی نیست وتردید نداریم که روزی باید دادگاهی تشکیل بدهیم در داخل کشور وبرمبنای احکام قانون وعدل الهی باید عده یی را به میز محاکمه بکشیم.

اما تا وقتی که چنین محکمه یی تشکیل نشود وحق وناحق مطابق احکام قانون و در پرتو شرع نبوی تشخیص نگردد چرا برخی رسانه ها وبعضی چهره ها می خواهند براساس یک نمایش قبلاً طراحی شده آب به آسیاب دشمنان این وطن بریزند.

ما از همه وکلای محترم تقاضا داریم تا فرصت های موجود را برای پیروزی حق برباطل به نحوی شایسته پی گیرند وسعی نمایند در این مجلس بزرگ که بدون شک عده یی براساس دیکته وفرمایش وبنا بر نقشه ها واهدافی از قبل تعیین شده می خواهند آب را گل آلود نمایند، از حیثیت وآبروی مجاهدین دفاع نموده و در تصویب قانون اساسی که بدون شک یک وثیقۀ بااعتبار در سطح کل کشور باید باشد، ارزش های دین مبین اسلام را در نظر گرفته واجازه ندهند پیام خون هزاران شهید راه استقلال افغانستان، به فراموشی سپرده شود.

آرزومندم از این طریق صدای اعتراض خواهران ما را که بی.بی.سی صحبت های آنان را نشر نکرد، به گوش مردم افغانستان برسانید، تا بدانند که رسانه های خبری در کشور ما کدام پالیسی را دنبال می نمایند.

خواهر جمیله فایض آمر ناحیۀ چهارم ولایت فراه، خواهر حمیرا کارمند ریاست کار وامور اجتماعی ولایت فراه، خواهر نفیسه استاد سابقه دار مدرسۀ«میرمن تازو» وشیرین فیضی سرمعلم«میرمن نازو» که نسبت به چگونگی مسألۀ انتخابات در ولایت فراه اعتراض داشتند وانتخابات درمیان زنان را، غیر عادلانه، دستوری ومعامله گرانه خواندند ونسبت به کار کرد رسانه های خبری به خصوص بی.بی.سی در حضور جمع غفیری از مردم ولایت فراه شکایت کردند واین هم دینی برگردن ما بود که صدای ایشان را به گوش مردم برسانیم.»

برادر محترم نقیب الله، مدرس مدرسۀ ابوذر غفاری ولایت فراه نیز در جمع مردم ولایت فراه حضور داشت و در ادامۀ سخنان رئیس معارف ولایت فراه چنین ابراز نظر کرد:

« من به نمایندگی از شورای علمای ولایت فراه، سخنان هیجان زدۀ این دختر را که عده یی درپشت پرده به وی القا کرده بودند، شدیداً تقبیح نموده وآن را خلاف منافع ملت مسلمان افغانستان دانم و تفرقه افگنی او را محکوم می کنم.

وازوکلای محترم خواهش می کنم که قانونی را تصویب نمایند که صد در صد اسلامی بوده واهداف وآرمان شهدای جهاد مردم افغانستان را بازتاب بخشد وتوجه داشته باشند که اگر نقطه یی غیر شرعی در قانون باشد، آن گاه از جانب مردم افغانستان مردود خواهد بود.»

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشــــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال دوم | شماره ۱۵ | یکشنبه ۳۰ قوس ۱۳۸۲ | ۲۷ شوال المکرم ۱۴۲٤ – 21 December 2003

چرا عده یی از پارلمان مقتدر هراس دارند؟

علی کوهستانی

موجودیت پارلمان مقتدر برای دولت مداران جنجال برانگیز است

در جریان کار لویه جرگهٔ اضطراری زمانی که وکلای مردم، بخش اول کار خود یعنی انتخاب رئیس دولت را به انجام رسانیدند، دست هایی پنهان وآشکار در راه ایجاد پارلمان مشکل تراشی نمودند تا آن که از ایجاد پارلمان به عنوان مرجع مشروع نمایندگی از مردم جلوگیری به عمل آمد.

کار کردهای دولت انتقالی اسلامی در عدم حضور پارلمان دچار چند دستگی گردید. کابینه به حیث قوهٔ اجرائیه در امور قوای مقننه نیز مداخلاتی انجام داد.

این کمبود سبب گردید که مرجع بازپرس وناظر براقدامات دولت انتقالی وجود نداشته باشد وبرهمین اساس بود که امروز نسبت به چگونگی مصرف مبالغ هنگفت کمک های بین المللی بی اعتماد اند واستفاده جویی هایی بی شمار را در آن دخیل می دانند.

حالا که بحث جدی روی قانون اساسی وساختار نظام آیندهٔ افغانستان آغاز یافته است، عده یی به شمول رئیس دولت، وجود یک پارلمان مقتدر را غیر ضروری می دانند.

معلوم نیست که چرا از موجودیت چنین مرجعی مشروع وبااعتبار که می تواند از عامهٔ مردم افغانستان نمایندگی کند، هراس وجود دارد؟

در پی ارایهٔ پاسخ به پرسش فوق باید دید که پارلمان مورد نظر کدام ظرفیت ها را در خود می تواند پرورش دهد:

– نخستین ظرفیت شورای نمایندگان مردم که لازم است در بعد از پایان کار لویه جرگهٔ فعلی به صفت جانشین مؤقت اجلاس موجود، در شهر کابل باقی بماند، این است که صلاحیت نظارت وباز پرس را خواهد داشت و دولت مداران ما تاجایی که معلوم است به چنین ضرورتی گردن نمی گذارند وطرح نظام ریاستی به جای سیستم صدارتی نیز در واقع به همین منظور عنوان می شود..

در این ظرفیت پارلمانی قسمت اعظم امتیازات وزرا واطرافیان مقام ریاست دولت به چون وچرا مواجه خواهد شد هر وزیر مکلف ساخته خواهد شد تا گزارش کاری خود را به پارلمان ارایه نماید واین مسأله یی نیست که به سادگی قابل قبول مقامات باشد.

بر این نگرانی برخی عوامل بیرونی نیز می تواند اثر گذار باشد، بویژه این که موج وسیع نارضایتی از بازسازی در افغانستان جریان دارد ودولت نتوانسته است کمک ها به آدرس افغانستان را خود جلب کند، بنا برآن هنوز هم، انجوها قوی ترین جاذب کمک ها به حساب آمده و بازسازی جز نمود شکلی چیزی دیگر نخواهد داشت. واز آنجا که این وضع در حال حاضر قابل تعویض نیست بنا برآن دولت از شکل گیری پارلمان جلوگیری خواهد کرد. توضیح این که کمک ها به نام مردم افغانستان کمک هایی مشروط وبرنامه ریزی شده می باشد. منابع امداد در بدل تقدیم کمک های ناچیز به مردم افغانستان، مطالبات منظم وپلان شده یی دارند، این برنامه های پنهان از انظار مطبوعات وسایر رسانه ها سبب می شود وجوه امدادی به مردم افغانستان نرسد وبازسازی ریشه دار، سراسری وعادلانه نباشد.

این ها مسائلی هستند که در صورت موجودیت یک پارلمان مقتدر می توانند برای مقامات دولت پردرد سر باشند. لذا تلاش ها در جهت عدم شکل گیری پارلمان به شدت جریان دارد و بر پایهٔ آن ممکن است، اجلاس عالی موجود، جز تصویب قانون اساسی کار دیگری انجام داده نتواند.

شکل گیری مسیرمخالف این حرکت نیز ممکن است وقتی ثمر خواهد داد که مجاهدین ونمایندگان منتخب مردم افغانستان بتوانند با ارایهٔ نظر کامل در کار تصویب قانون شرکت ورزیده و پلان ها و دسایس مخالقان را به موقع خنثی نماید.

نمایندگان ملت توجه کنند!

حرکت به سوی استبداد انتخاب . . .

این دو دستگی تا حد زیادی به عملکرد کمسیون تسوید و تدقیق قانون اساسی نیز رابطه می گیرد که از همان ابتدا دچار ضعف فراوان بود. در جریان تسوید قانون در گردهمایی های مختلف اعضای این کمسیون در برابر سوالاتی که در مورد شکل نظام آینده در مسوده، قانون اساسی مطرح می شد جواب می دادند که نظام آینده نه بصورت کامل، ریاستی خواهد بود که در آن استقلال قوای سه گانه، دولت نامشخص باشد و نه نظامی خواهد بود که در آن کشمکش میان مراجع مختلف قدرت را میدان دهد و در نتیجه موجب تکرار تجربه های تلخ گذشته گردد.

در حالی که مسؤولان کمیته، تسوید با چنین اظهارات، اذهان را و در نتیجه زمینه های بحث را به یک نظام مختلط معطوف می نمودند، بدون نشر مسوده، قانون اساسی از مردم در مورد آن استمزاج صورت می گرفت که کاری کاملا ناقص بود. از مردم سوالاتی صورت می گرفت که به علت مجهول بودن مسوده، کسی امکان پرداختن به جزئیات مسائل را نداشت و در نتیجه فقط به عمومیات اشاره می شد.

پس از تأخیر بسیار سرانجام وقتی مسوده به نشر رسید دیده شد که از بسیاری مسائلی که اعضای کمسیون در گردهمائی های مختلف به آن پرداخته بودند، خبری نیست و در اینجا این شایعه تقویت شد که مسوده یی که به نشر رسیده آن مسوده یی نیست که روی آن بحث صورت گرفته بود بلکه در مرحله، آخر، دست هایی از خارج آن مسوده را آن گونه که خود می خواستند تغییر داده اند.

به این ترتیب در ایجاد جو و فضای حاکی از عدم تفاهم که اینک در لویه جرگه دیده می شود، چنین عواملی موثر بوده است.

بعضی از رسانه های خبری تلاش دارند تا چنین وانمود سازند که هواداری از نظام پارلمانی با اهداف احزاب جهادی برای بقای اقتدار شان رابطه دارد.

هرچند هواداری از نظام پارلمانی منحصر به هواداران احزاب جهادی نیست بلکه این طیف، گسترده تر از این محدوده است، اما نگرانی مجاهدین نیز ناشی از یک سلسله تجارب بدست آمده از نظام های ریاستی و پارلمانی در سطح جهانی بخصوص کشور های اسلامی است که بد نیست اگر به دو مورد از آن اشاره شود.

در ترکیه یک قانون اساسی لائیک روی کار است که به موجب آن حتی یک زن اگر نماینده، پارلمان هم باشد حق پوشیدن چادر را ندارد اما در کشوری با چنین قانون اساسی غیر دینی، یک مسلمان می تواند به مقام صدارت برسد. چرا؟ زیرا در ترکیه نظام پارلمانی حاکم است و به مردم این حق داده شده تا به حزبی که خود می پسندند رأی بدهند و خود، صدراعظم خویش را انتخاب نمایند. هرچند در این کشور تشکیل احزاب با ایدئولوژی دینی از نظر قانون ممنوع است ولی احزاب اسلامی با نام ملی تا کنون راه به پارلمان یافته اند.

در مقابل در کشور مصر هیچ تنظیمی خلاف نظر دولت حق ندارد حتی اعلامیه یی صادر نماید. در حالی که مصر یکی از مراکز مهم کلتور و ثقافت اسلامی بوده و مرکز علمی بسیار مشهور اسلامی (الازهر) نیز در همین کشور قرار دارد. دلیل چیست؟

دلیل اصلی این وضع در مصر این است که در آن کشور نظام ریاستی حاکم است که هیچ کاری در آن بدون اجازه، دولت مجاز نیست.

پس باید همه، آنانی که خواستار یک نظام مبتنی بر دموکراسی در کشور اند، قطع نظر از این که به کدام جریان، منطقه، قوم و جناح مربوط اند، باید در این مورد دغدغه، خاطر داشته باشند و کسانی که این نگرانی را به تلاش حفظ قدرت توسط فلان جناح یا فلان قوم رابطه می دهند در حقیقت قصد انحراف اذهان ملت را دارند و نمایندگان ملت در لویه جرگه باید به این مسئله، مهم توجه جدی داشته باشند.

ملت ما از تسلط نظام های بی مهار و مستبد در گذشته رنج هایی بسیار دیده است. نظامهایی که به نام جمهوریت و دموکراسی بر این کشور مسلط شدند، ارمغانی جز بدبختی و مصیبت بدنبال نداشتند زیرا رأی و نظر مردم در آن رژیم ها نقشی در نظام سیاسی نداشت. اکنون که نمایندگان ملت برای رسیدن به یک دموکراسی واقعی گردهم آمده اند، نباید به راهی بروند که در نهایت به استبداد منتهی گردد.

په لویه جرگه کي واکمنه فضا . . .

دغه راز باید یواخي دخلکو انتخابي استازیو ته دغه حق ورکړي شوي وي چي راي لی څرگنده کړي وي نه فرمایشي کسانو ته.

دغه راز دوکیلانو نظر دا وچي دغوندي د دوام طرزالعمل باید پخپله دلوئي جرگي دبرخه والو له خوا جوړ شوي وي.

خو ولیدل شو چي دلوئي جرگي پیل او بهیر دخلکو له غوښتني سره سم نه و.

دولت خپلي غوښتني تحمیل کړي، محترم کرزي ۵۰ تنه انتصابي کسان جرگي ته داخل کړل دلوئي جرگي طرزالعمل هم دښاغلي کرزي له خوا وټاکل شو او دلوئي جرگي د رئیس له خوا په وکیلانو باندي ومنل شول.

د دي ویره هم شته چي په قانون باندي دتصمیم نیولو له پاره دخلکو استازیو ته پوره وخت ورنه کړي شي، ځکه که موږ له یوي میاشتي څخه په کم وخت کي قانون تصویب کړو دا په دي مانا ده چي موږ قانون نه دي لوستي او تصویب موکړ. وکیلانو دمجلس رئیس ته وړاندیز وکړ چي طرزالعمل دوي په خپله جوړ کړي خو نه یواځي ونه منل شو بلکي په مسخرو سره رد شو.

دخلکو تول استازي په دي باور وو چي مرکز ته په راتلو سره به ښائي داسي یوقانون تصویب کړي چي خلك او هیواد به یو روښانه راتلونکي ته هدایت کړي او دا به دملي یووالي او تولنیز عدالت

> دلوئي جرگي طرزالعمل هم دښاغلي کرزي له خوا وټاکل شو او دلوئي جرگي د رئیس له خوا په وکیلانو باندي ومنل شول.

ضامن وي. خو دبده مرغه لکه څنگه چي اوس معلومیږي واقعیت داسي نه و. په لویه جرگه کي واکمني فضا دملي یووالي په لور فضا نه ده، استازي په یو واحد ارزښ باندي خبري نه کوي، په مجلس کي به ستمي. قومي، ژبني موضوعاتو باندي خبري رواني دي، د دولت دکابیني د غړیو لاس وهني او دورانکاري فعالیتونه روان دي او د دولت څرگنده لاس وهنه تر سترگو کیږي.

په برابره شوي مسوده کي د تولنیز عدالت دټینگښت ضمانتونه نشته، په دي موضوع باندي خبري هم نه دي رواني، استازیو ته دنظر څرگندولو وخت نه ورکول کیږي یواخي هغو کسانوته په سازماني توگه وخت ورکول کیږي چي سپکاوي ورته وشي، په جرگه کي هیڅ دول دیموکراتیکه روحیه نشته اود دولت له خوا صحنه جوړوني دوام لري.

هغه ستر دلیل چي لویه جرگه په خپل وخت پیل نه شوه هغه دپخوانه دجوړي شوي برنامي منلو ته دیو شمیر وکیلانو دپاملرني را گرځول و نه بله ستونزه. دغه راز د وکیلانو په ټاکنه کي هم عدالت په پام کي نه دي نیول شوي. نوموږ له دولت او دخلکو له استازیو څخه هیله لرو چي دخپل د روند او تاریخي مسئولیت په پوهیدو سره دخپلو شخصي غوښتنو تربار لاندي نشي بلکه په دقت سره خپلو خلکو او هیواد ته داسي یو قانون جوړ کړي چي دټولو له پاره وي پرته له دي به زموږ راتلونکي د وخت او امکاناتو بي ځایه له لاسه وتلو نورڅه نه وي.